

از کبریا تا کبریا

نویسنده: رزوه یاد قنبریدالهی کبریا
به اهتمام: عذرا، رضا و معصومه بدالهی کبریا



نامۀ مهر

تهران ۱۳۹۴

سرشناسه	:	یداللهی کبریا، قنبر، ۱۳۰۲-۱۳۸۷.
عنوان و نام پدیدآور	:	از کبریا تا کبریا
مشخصات نشر	:	تهران: نامه مهر، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	:	۱۸۸ص: مصور (بخشی رنگی)
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۹۵۵۷۱-۰۰-۳
وضعیت فهرست نویسی:	:	فیبای مختصر
یادداشت	:	فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است
شناسه افزوده	:	یداللهی کبریا، عذرا، ۱۳۳۷-، گردآورنده
شناسه افزوده	:	یداللهی کبریا، رضا، ۱۳۴۱-، گردآورنده
شناسه افزوده	:	یداللهی کبریا، معصومه، ۱۳۴۵-، گردآورنده
شماره کتابشناسی ملی:	:	۳۸۷۷۵۶۰



نامه مهر

از کبریا تا کبریا (جلد اول)

نویسنده: قنبر یداللهی کبریا

به اهتمام: عذرا، رضا و معصومه یداللهی کبریا

صفحه آرای و طراحی جلد: سحر لعلی

ویراستار: محمدرضا احمدی

شمارگان: ۱۰۰۰

نوبت چاپ: اول

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

نشانی: تهران، نارمک، خیابان گلستان، خیابان پوری محمد، خیابان تجریشی، پلاک ۱۰۴

تلفن: ۰۹۳۵۵۰۳۹۵۵۸

پست الکترونیکی: NameyeMehr@yahoo.com

حق چاپ و هرگونه کپی برداری با اجازه فرزندان مؤلف امکان پذیر است.

پدرا!

خاطرات مهربانیت

بهترین میراثی بود که برایمان به یادگار گذاشتی!

از پدر نوشتن جسارت می خواهد، قدرت می خواهد، قلمی مردانه می خواهد! واژگانی می طلبد از جنس نور، به زلالی آب و به نرمی عشق!

پدر را نمی توان در یک واژه گنجانند زیرا به یقین یک کلمه توان کشیدن بارمعنایی با این وسعت را نخواهد داشت. در برابر چنین عظمتی سر خم می کند و کم می آورد!

از پدر گفتیم ریا این کتاب، خاطره نگاری های پدری است ادیب و فرزانه! پدری دلسوز، مهربان و در عین حال با صلابت!

آری خورشید درخشان زندانیش ما فرزندان را بر آن داشت تا آرزوی دیرینه اش که همانا چاپ نوشته هایش بود را به فعل برسانیم. عماید متعالی و روح بزرگش جرأت این کار را به ما داد. باشد که با چاپ این اثر توانسته باشیم فعلی که حرکت از دریای بیکران وجودش را به یادها بسپاریم و به یادگار بگذاریم! ایدون باد!

جانا پدرا! ما سیراب از محبت تو و تو پناهگاه امن ما در روزگار ناامنی ها!

ای تجسم عشق و تبلور مهربانی، همیشه در خاطرم آن حضوری جاودانه خواهی داشت! و آنگاه که نگاه نگرانت آرام گرفت؛ در خطه زمردین کبریا کلا در آن پردیسی که به آنجا تعلق داشتی، با ترنم باران تو را در سینه خاک به امانت گذاشتیم تا پروازی مشکوتی داشته باشی به جهان لاهوت! از کبریا تا کبریا!

بهشت بهره باشی و انوشه روان!

پیشکش شده در طبق اخلاص از سوی فرزندان

مقدمه ناشر	۱۱
پیشگفتار نویسنده	۱۳
پیشگفتار گردآوردندگان	۱۵

بخش اول - کهن نوشته ها

مختصری پیرامون بابل	۱۸
فصل ۱: پیدایش کبریاکلا	۱۹
فصل ۲: رت های خزان زده	۲۱
فصل ۳: شویشیت	۲۴
فصل ۴: انقلاب مالیات	۲۷
فصل ۵: دست های تسلیم ترکه های بی رحم	۳۳
فصل ۶: دروازه ای رو به گلستان خیم	۳۵
فصل ۷: دیدار؛ استثنائی در نامه	۳۸
فصل ۸: روزگار قشنگ سپری شده	۴۶
فصل ۹: شهرزاد قصه گو	۵۰
فصل ۱۰: لال زنه شو	۵۷
فصل ۱۱: باغ پایی	۶۱
فصل ۱۲: تلاشی لذت بخش برای برگزاری آئینی کهن	۶۶
فصل ۱۳: تلاش برای زنده ماندن	۲۷
فصل ۱۴: نهر لقمان	۷۵
فصل ۱۵: جشن مردگان	۸۱
فصل ۱۶: دو برادر در کنار یکدیگر (احداث و حرکت سقاتالار)	۴۸
فصل ۱۷: داروی درد (ساخت تکیه)	۸۸
فصل ۱۸: پیله و پاپلی	۹۳
فصل ۱۹: آل	۹۶
فصل ۲۰: طاعون، بلیه ای هول انگیز	۹۸
فصل ۲۱: سنجاق و تلی	۱۰۱
فصل ۲۲: کتاب سوزی	۱۰۳
فصل ۲۳: بینجه تاشی	۱۱۲

۱۱۵	فصل ۲۴: تن شورون
۱۱۸	فصل ۲۵: دزدان با چراغ
۱۲۲	تولد و مرگ نه نسل قبل از قنبر یداللهی کبریا

بخش دوم - یگانگان کبریا

۱۲۴	یگانگان کبریا
۱۲۵	روحانی محل
۱۲۶	مدیران مدیر و مکتب داران گمنام
۱۲۷	فرشته سپید پوش
۱۲۷	اعجوبه عارف
۱۲۸	متولی
۱۲۹	چینی بندزن
۱۳۰	میدان دار عاشورا
۱۳۱	دریادل کبریا
۱۳۲	مرس قلی کر
۱۳۳	کرک سوزن زن
۱۳۳	خانه سرکر
۱۳۴	میر اشکار
۱۳۵	میراب
۱۳۶	آش یج
۱۳۶	لله و کف
۱۳۸	لمه سو
۱۳۸	کوب باف
۱۳۹	کرماری
۱۴۱	سیولینگه واش
۱۴۱	مما
۱۴۲	قصور در آفرینش
۱۴۲	نعمه داوودی
۱۴۳	نقش آفرینان
۱۴۴	نوتکه و مقراض
۱۴۵	صنعتگر روستا
۱۴۵	سرخه دوا

۱۴۶	تعاونی
۱۴۶	نفته رُوش
۱۴۷	قهرمان کشتی
۱۴۷	سرناچی

بخش سوم - نگاهی گذرا به بابل

۱۵۱	مامطیر، بارفروش، بابل
۱۵۱	موقعیت جغرافیایی شهرستان بابل
۱۵۲	ناهمواریها
۱۵۲	جاذبه های طبیعی شهرستان بابل
۱۵۲	برخی از دینهای شهر بابل
۱۵۳	فهرست اسامی تعدادم از بزرگان علم و ادب بابل
۱۵۴	فهرست مهمترین اماکن مذهبی شهر بابل
۱۵۴	وجه تسمیه بارفروش
۱۵۴	اسامی تعدادی از کاروانسراهای شهر بابل
۱۵۵	فهرست برخی محله های بابل و وجه تسمیه آن ها

بخش چهارم - آلبوم تصاویر

۱۵۹	شجره نامه، دستخط و عکس های زنده یاد خنیر یداللهی
-----	--

بخش پنجم - کتابنامه

۱۷۰	فرهنگ اصطلاحات محلی
۱۸۲	فرهنگ اصطلاحات خاص

مقدمه ناشر

بخش عظیمی از میراث مکتوب بشری، مدیون فرهنگ شفاهی و نقل قول های سینه به سینه است. چرا که علاقه به حفظ سنت ها و تاریخ، پیش از رواج خط هم میان انسان ها یک اصل محسوب می شد.

در زمان ما که جهان پیرامونمان با شتاب شگفت آوری (که هر لحظه هم سرعت می گیرد) در حال تغییر است و چهره شهرها و جغرافیای هر منطقه، لهجه ها و گویش های محلی، و حتی بسیاری از آیین ها و سنت ها در این گردونه ی تغییر قرار گرفته، ناصبی مانند فرهنگ فولکلور و فرهنگ شفاهی، نقشی تاریخ ساز دارند. یکی از سیاست های مدرن انشادات نامه مهر، پرداختن به همین مسائل است. کتاب حاضر، حاصل دست نوشته های مردی است که با بهره گیری از نقل قول های سینه به سینه بخشی از تاریخ یکی از روستاهای اصلی منطقه بابل را حفظ کرده است.

تصور کنید اگر نمونه ی چنین کاری در ابعاد کشوری و به صورت جزء به جزء در شهرها و روستاهای مختلف گردآوری می شد؛ ما با چه گنجینه ای از فرهنگ فولکلور و فرهنگ شفاهی روبه رو می شدیم.

از فرزندان شادروان قنبر یداللهی بابت حسن اعتمادشان سپاسگزارم، بی شک چاپ این دست نوشته ها بهترین نشانه ی قدرشناسی نسبت به پدری مهربان و فرهنگ دوست است.

محمدرضا احمدی

۱۳۹۴/۰۳/۲۵

پیشگفتار نویسنده

به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه بر نگذرد

ابتدای هر سخن و افتتاح هر زان به نام پروردگار جان و خردی که به من قنبر یداللهی متولد ۱۳۰۲ هـ.ش فرزند روانشاد روح‌الله ورنده باد آهو اهل کبریاکلای بابل توفیق داد تا اقدام به تحریر اتفاقاتی کنم که در عصر اینجانب به کاشانگانم حادث شده بود.

البته قلم زدن در این حیطة، معلوماتی گائی، تئمی قوی می خواهد که متأسفانه من در خود آن قدرتی که بتواند حق مطلب را به شیوة دلچسب ادا کند، نمی یابم و فقط به تئمی از تئمی بسنده می کنم به مصداق؛

برگ سبزی است تحفه درویش چه کند یسوا ندارد بیش

فقط سعی کردم به قدر همت خود بال و پر زنم! انگیزه ام برای اقدام به نگارش، عشق به زادگاهم بود، بهشتی که در آن به دنیا آمدم؛ رشد کردم و دوست دارم در همین بهشت به خاک سپرده شوم!

ز تن رها شدم و جان من صعود گرفت به دل هوای پاک خبریا کردم

در اینجا لازم می بینم توجه شما را به چند نکته جلب نمایم:

- به طور جدی از سال ۱۳۱۲ گفته های راویان را مکتوب کردم و محل جمع آوری نوشته ها، لای قرآن بود!

- از پنج سالگی به مکتب رفتم و نزد ملا محمد آقا شاگردی کردم. دانش آموزان قبل از رفتن به مدرسه کاملاً با سواد خواندن آشنایی داشتند اما نوشتن نمی دانستند!

- مدرسه ای که در آن تحصیل کردم در سال ۱۳۱۳ تأسیس شد که نام فرخی سیستانی را بر آن نهادند. در سال ۱۳۱۸ به پهلوی و در سال ۱۳۵۸ به امام موسی صدر تغییر نام داد. -خاطرنشان می کنم که نحوه و یا زمان برگزاری برخی از مراسم، آئین ها و سنت ها و یا زمان کاشت، داشت و برداشت محصول و یا حتی لهجه و گویش برخی از کلمات، از روستایی به روستای دیگر ممکن است متفاوت باشد.

- سعی کردم بسیاری از واژه ها را با همان گویش زیبای روستایمان بنویسم تا یادمان نرود با چه کلماتی زبان گشودیم. این واژه ها مقدس است، چون توسط مادر -همان الهه عشق و بردباری- در مغزمان حک شده!

اگر خوانندگان اهل ذوق در قبال نوشته ام فقط اندکی از من یاد کنند، مرا بس! و امید دارم لغزش ها در حرم را با دیده لطف نگریسته و اشتباهات را بر من ببخشایند: ایدون باد!

مصلحی تو ای تو سلطان سخن

گر خطا کنم اصلاحش تو کن

مولوی

قنبر یداللهی

۱۳۸۰/۱۰/۲۱ خورشیدی

پیشگفتار گردآورنده - از:

* این کتاب نه تنها آینه تمام نمای روستای کبریاکلا، بلکه تجسم جامعه فقرزده ما در آن برهه از زمان می باشد. هنر اصیل نویسنده، توصیف روان، ساده و دلنشین حوادث واقعی آن دوران است. نگارنده با تار و پود این روستای غمناک دیرینه داشته و همین خصیصه در نوشته اش نمود یافته است.

* آداب و رسوم، خلق و خو و وقایع این روستا همان قرابتی با جای جای این مرزوبوم دارد که هر فردی در هر نقطه محروم این کشور می تواند با آن ارباطی تنگاتنگ برقرار و اذعان کند که: جانا! سخن از زبان ما می گویی!

* و اما ویژگی شاخص و بارز نویسنده این است که در اوج کمبود و فقر، در اوج سیاهی و ظلمت، اتفاق های ساده زندگی را دست کم نمی گرفت و زیبایی های آن را - هر چند ساده و اندک - می دید و از آن به بهترین نحوی یاد می کرد: «... گرچه جیب خالی بود اما دل در گروی کوچکترین شادی می رفت و همانجا لنگر می انداخت!». (صفحه ۶۱)

* نویسنده سعی کرده تصویر تمام رویدادهای تلخ و شیرین اعم از: سیاسی، تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، دینی و ... را به گونه ای از قلمش بچکاند که ضمن روشنگری، موجب خستگی خواننده نشود.

* نکته قابل ذکر اینکه، به منظور رعایت اصل امانتداری، هیچگونه دخل و تصرفی در نوشته های شادروان پدرمان صورت نگرفته و فقط ویرایش شده است.

✽ خاطرنشان می گردد؛ کلیه زیرنویس های کتاب که همانا معادل یابی کلمات محلی می باشد و نیز بخش سوم، تحت عنوان «نگاهی گذرا به بابل»، بخش چهارم «شامل آلبوم تصاویر»، بخش پنجم «حاوی فرهنگ اصطلاحات محلی» و نیز «فرهنگ اصطلاحات خاص»، به تمامی، با تلاش و اهتمام برادرمان آقای **رضا یداللهی کبریا** صورت گرفته است.^۱

این نوشته حاصل دسترنج سال ها تلاش مردی است که به زادگاهش، مردم، فرهنگ، و آداب و رسوم روستایش عشق می ورزیده و کبریاکلا را **دیار عشق** می دانسته. بهر حال امید است ماحصل تلاش این بزرگ مرد، مقبول درگاه خوانندگان افتد!

عذرا و معصومه یداللهی کبریا

www.ketab.ir

۱- شما عزیزان، می توانید جهت کسب اطلاعات بیشتر و نیز ارسال انتقادات و پیشنهادات سازنده خود، از ایمیل زیر جهت ارتباط با جناب آقای رضا یداللهی، فرزند زنده یاد قنبر یداللهی استفاده نمایید.